

را جرم‌انگاری کند؛ مگر اینکه بخواهند از بعضی مواد موجود در قانون مجازات اسلامی یا قوانین متفرقه تفسیر موسع کنند و در قانون امکان تفسیر موسع وجود ندارد. «ماده ۵۷۶» قانون مجازات اسلامی مواردی را شامل می‌شود که فرد از انجام وظایف قانونی یک مدیر اجرایی یا کارمند جلوگیری کرده است. این قابل جرم‌انگاری است؛ اما اینکه خودش انجام ندهد وجه قانونی برای برخورد وجود ندارد. به تازگی قانونی آمده است که جرم‌انگاری امتناع از اجرای وظایف قانونی را شامل می‌شود؛ اما در عمل معلوم نیست به کجا برسد؛ چون یکی از مواقع این امتناع ممکن است بر اساس محدودیت‌های اجرایی باشد که کار را سخت می‌کند. باید دید منظور دقیق این ترک فعل که برخی از مسئولین می‌گویند چیست و از کجا درآمده است؟ آیا این جرم است یا یک امر اداری است.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: به دلیل عدم اجرای قانون می‌شود فرد را مجازات کرد؟
خیر! مگر اینکه به صراحت در قانون آمده باشد؛ مثلاً در قانون آمده اگر فلان وظیفه را انجام دهی مجازات می‌شوی؛ وگرنه قابل مجازات نیست، حتی اگر جنبه حقوقی و قانونی داشته باشد. اگر بخواهیم این را به سمت کیفری ببریم باید جرم‌انگاری شود و دستگاه‌های نظارتی بتوانند در مورد عملکرد فرد گزارش دقیقی بدهند؛ آن هم در موارد خاص. اصل کیفر و پیگیری قضایی این موضوع در شرایط فعلی سخت است. سازمان بازرسی وظایفی دارد؛ مثل اینکه گزارش می‌دهد دستگاه‌ها وظایفشان را انجام می‌دهند یا نه و مسیر قانونی همین مسیر است.
مثلاً اگر فردی وظایف محوله از طرف دیوان محاسبات را درست انجام نداده باشد، با او برخورد قضایی می‌شود؛ اما صرف ترک فعل و انجام ندادن وظایف قانونی بما هو ترک فعل این‌گونه نیست؛ باید ببینیم آیا آن ترک فعل خاص جرم‌انگاری شده است یا خیر.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: با توجه به رویکرد و خط‌مشی سیاست‌های کلی نظام ضرورت دارد عدم اجرای سیاست‌های کلی نظام کیفری جرم‌انگاری و برای آن مجازات در نظر گرفته

شود؟ یا نه؛ فقط در بحث‌های اداری نمی‌تواند جرم‌انگاری قضایی شود؟
درباره سیاست‌های کلی این موضوع مطرح است که اصل بحث جرم‌انگاری‌ها باید محدودتر باشد و رسیدگی به چنین موضوعاتی مثل ترک فعل مسئولان به لحاظ کیفری ضرورت ندارد یا اینکه رتق وفتق آن را باید به فضای حقوق اداری بسپاریم. مسئله این است که ما داریم از سمت نظارت سیاسی به سمت نظارت قضایی حرکت می‌کنیم و این امر ملاحظاتی دارد.

ترک فعل مسئولین دارد به صورت عام انجام می‌شود؛ یعنی قبلاً می‌گفتند که اگر وظیفه فلان را انجام ندهید، مجازات می‌کنیم، اینجا می‌گویند اگر به طور کلی وظایفتان را انجام ندهید، مجازات می‌شوید! این امر حدود و ثغور مشخصی ندارد؛ چون خیلی از این رفتارها و عملکردها به امکانات بستگی دارد، باید این‌ها را مدنظر قرار داد. شما ممکن است تکلیفی مالایطاق بر سر یک مجری بگذارید تا فردا انجام دهد و این نشدنی باشد و بخواهید مجازاتش کنید. در قوانین کیفری دنیا و قواعد کیفری اسلامی نیز همین‌طور است. شیوه نگارش جرائم ترک فعل خیلی متفاوت با جرائم فعلی است و نمی‌توان به صورت گسترده آن را جرم‌انگاری کرد؛ چون خیلی از جرائم قانونی در عمل ممکن است با موانع متعددی روبه‌رو شود.

درباره سیاست‌های کلی این موضوع مطرح است که اصل بحث جرم‌انگاری‌ها باید محدودتر باشد و رسیدگی به چنین موضوعاتی مثل ترک فعل مسئولان به لحاظ کیفری ضرورت ندارد یا اینکه رتق وفتق آن را باید به فضای حقوق اداری بسپاریم. مسئله این است که ما داریم از سمت نظارت سیاسی به سمت نظارت قضایی حرکت می‌کنیم و این امر ملاحظاتی دارد.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: فضای مدیریت کشور دارد به سمت حکمرانی تنظیمی می‌رود که یکسری از کارویژه‌هایش در باب خدمت‌رسانی عمومی است. این مدل دارد الگوی مدیریت کشور را تغییر می‌دهد. بحث قوانین

جزایی و نظام کیفری هم متأثر از این قضیه است و می‌بینیم که رسیدگی‌های اداری دارد فریه‌تر می‌شود؛ مثلاً با نهادهایی طرف هستیم که خودشان هم مقررات‌گذاری و هم نظارت می‌کنند؛ اگر ضمانت اجرا هم نیاز باشد خودشان اعمال می‌کند.

این خلاف سیستم حاکمیت قانون است! در سیستم حاکمیت قانون همه چیز شفاف است و باید در قانون بیاید؛ اما در این سیستم اختیار مقام مجری قانون زیاد می‌شود، بدون اینکه برای آن قانون مستندی وجود داشته باشد. این مهم است که من بدانم وقتی رفتاری می‌کنم، چه برخوردی با من می‌شود. اصل ۳۶ قانون اساسی و «ماده ۲» قانون مجازات اسلامی را داریم که خیلی از این دست‌ورعمل‌ها در عمل دارای چند وجهی نیست که نوشته و اجرا می‌شود؛ یعنی باید کاملاً مفاد قانونی رعایت شود.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: لطفاً درباره اتفاقاتی که در دوره جدید درباره حبس‌زدایی می‌افتد نیز توضیحی بفرمایید.

اتفاقاتی که در بحث حبس‌زدایی دارد می‌افتد، اتفاقات خطرناک است چون ضابطه ندارد ممکن است برای مدت کوتاهی زندان را خالی کنیم یا حتی چه‌بسا را کسانی که مستحق حبس طولانی‌مدت نبودند آزاد کنیم، اما حتماً تضعیف زندان نرخ جرم را در بلندمدت زیاد می‌کند. یعنی اگر شما بخواهید زندان را خالی کنید باید فرد به‌فرد بررسی کنید، آیا اینکه مجازاتش تقلیل پیدا کند لیاقت دارد یا نه؟ ناجا گزارش داد که در دوره کرونا اجازه دارند تا زندانیان مرخصی باشند در برهه‌ای از زمان سرقت‌ها زیاد شد؛ یعنی خیلی از افراد سارق به تعبیری آزاد شده بودند و میزان ارتکاب جرائم زیاد شده بود که این از اشکالات خالی کردن غیراصولی زندان است. پرونده شخصیت مجرم باید تشکیل و کاملاً تجزیه و تحلیل شود که اگر به جامعه برود اصلاح شده یا نشده؟ اگر برگردد مجازاتی که شده، بازدارنده بوده یا نبوده؟ من از مخالفین این طرح بودم چون این امر موجب کاهش اثر مجازات‌ها می‌شود. باید توازنی بین بازدارندگی و اصلاح به وجود بیاوریم، اصلاح مجرم یک بال است و مجازات مجرم یک بال دیگر، به هر دو بال باید توجه کنیم.